

سوسیال دموکراسی

سوسیال دموکراسی دیدگاهی ایدئولوژیکی است و معمولاً با سوسیالیسم دموکراتیک که سیستم کاپیتالیستی اصلاح شده و متمدن را تایید میکند، همراه است بنابراین، سوسیال دموکراسی طرفدار تعادل بین بازار را دولت، و تعادل بین فرد و جامعه است. در کانون دیدگاه سوسیال دموکراسی، برای ایجاد سازش بین پذیرش کاپیتالیسم به عنوان تنها مکانیسم قابل اعتماد برای تولید ثروت، از یک طرف، و علاقه برای توزیع پاداش های اجتماعی طبق اصول اخلاقی و نه بازاری از طرف دیگر، تلاشی شده است. از این رو، مهم ترین ویژگی سوسیال دموکراسی اعتقاد به اصلاحات در کاپیتالیسم در جهت حمایت از اقشار مظلوم جامعه یعنی ضعفا و طبقه آسیب پذیر است. به هرحال، سوسیال دموکراسی می تواند شکل های مختلفی به خود بگیرد. این ایدئولوژی در شکل کلاسیک به سوسیالیسم اخلاقی مربوط می شود که تعهدی اساسی را به برابری و سیاست عدالت اجتماعی نشان می دهد.

اهمیت

عقاید و سیاست های سوسیال دموکراسی بیشترین تاثیر خود را در اوایل دوره ی پس از سال ۱۹۴۵ داشت. این عقاید، که احزاب سوسیالیستی و زمانی احزاب و لیبرال و محافظه کار توسعه داده بودند، به بسط دخالت اقتصادی و اجتماعی در بیشتر دولت های غربی منجر گردید. از این رو، سوسیال دموکراسی اغلب به دلیل کنترل و مهار خیال پرستی های کاپیتالیسم و ارائه رفاه بیشتر و ثبات اجتماعی عمومی اعتبار یافته است. به هر حال، حرکت رو به جلوی سوسیال دموکراسی همگام با «رونق طولانی» پس از دوران جنگ بود. جذابیت سوسیال دموکراسی این است که سنت اصالت انسان را به ویژه در تفکر سوسیالیستی زنده نگه داشته است. روی هم رفته، سعی این ایدئولوژی در دست یافتن به توازن بین کارایی و برابری موضوع اصلی بوده است که سیاست بیشتر جوامع توسعه یافته گرایش پیدا می کند تا به آن جذب می شود؛ بدون توجه به حکومت های حاکم سوسیالیست، لیبرال یا محافظه کار. به هر حال، از نظر مارکسیسم، سوسیال دموکراسی خیانتی به اصول سوسیالیستی است که سعی دارد سیستم ناقص کاپیتالیستی را به عنوان ایده آل های سوسیالیستی حفظ کند. با وجود این، ضعف اصلی سوسیال دموکراسی فقدان ریشه های تئوریک باثبات است.